

هفته نامهء خبري حزب وحدت اسلامي افغانس

۲ روپیه، پاکستانی ۲۰ افغیان

UNIVERSITY TOWN . PESHAWAR P. O. BOX: 1073

دبير كل حزب وحدت اسلامي در مراسم تجليل از شهداي جنگهاي تحميلي :

منافع ملت افغانستان است؛ هركس مطابق مصالح و منافع اين ملت كار كند و مدافع منافع أن باشد، براى ما ارزش دارد.

* کسی که شب و روز نماز بخواند و دارای ایمان مقدس هم باشد، ولی به خون مردم ما تشنه باشد، دشمن مردم ماست؛ پاید جلوش گرفته شود و ماهیت خصمانه اش افشا شود

روز یکشنبه ۱۳۷٤/۷/۲، بمنظور تجلیل از یاد وخاطره های تابناك شهدا در جنگهای تحمیلی حاکمیت فاشیستی و مزدوران سر سپرده، آن علیه هزاره جات، مراسم با شکوهی از سوی کمیته، فرهنگی حزب وحدت اسلامی در حوزه، مرکز یکاولنگ بر گزار گردید.

به گزارش خبرنگار «صفحه، نو» از بامیان، در این مراسم که از ساعت (٩) قبل از ظهر آغاز و الى (١٢:٣٠) ظهر ادامه داشت. اعضای شورای مرکزی، قوماندانان. آفسران و رزمنده گان قول اردو و لوای گارد، ستاد تبلیغی رهبر شهید و مردم شریف یکاولنگ حضور به هم رسانیده و به سخنان محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی گوش فرا دادند. طبق این گزارش، قبل از برگزاری مراسم، محترم استاد خلیلی در میان شعارهای پرشور و حماسی مردم که قرياد مي كشيدند: «صل على محمد، يار مزاري آمده، «خليلي، ظیلی، حمایتت می کنیم، در خط سرخ رهبر، اطاعتت می کنیم»

وارد صحن حوزه گردیده و قطعه، تشریفات لوای گارد را معایند فرمودند. سپس مراسم با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد ویه دنبالُ آن یك تن از اعضای ستاد تبلیغی رهبر شهید پیرامون اهداف، آرمانها وشخصيت رهبر شهيد صحبت نمود.

خبرنگار ما می افزاید که پس از ختم این صحبت، محترم استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی، به ایراد سخن پرداخته، در رابطه با اوضاع جاری کشور، جنگهای تحمیلی فاشیسم و نوکران آن در هزاره جات و موقعیت و مواضع حزب وحدت اسلامی به تفضیل روشنی انداختند. ایشان در قسمت نخست سخنرانی شان از فاجعه، غرب کابل و شهادت رهبر شهید، استاد مزاری، یاد نموده، فرمودند: پس از این فاجعه، دلخراش و خونین، ما کمتر می توانستیم امید داشته پاشیم که قد خمیده، خود را راست نمائیم؛ تمام امکانات ونیروهای ما از بین رفته و پراگنده شده بود، مرکزیت حزب سقوط نموده و بزرگتر از

اعضای کمیته، فرهنگی، با تلاشهای زیادی که انجام دادند، باز هم به یاری خداوند توفیق یافتند که کار خود را آغاز نموده، فریاد ملت را به دنیا برسانند و درد ها و آرمان های مردم را بازگو نمایند.

برنامه های کمك رسانی گوتاه مدت و دراز مدت سازمان طل در هزاره جات:

* كمك بداسكان ٠٠٠ خانواده ، مهاجر

* اعمار مكاتب، كلينيك ها وتهياء آب آشاميدني

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

ن فرود می آید... و بازشهر، درسکوت اضطراب سقوط، نفس میکشد و بازهمشهری، قربانی بك فاجعه، هوس وانحصار، با خانه، وبران وشکم گرسنه، منتظر تحولیست که از عقب درهای بسته، به حادثه، «سقوط کابل» منجر خواهد شد!

> سقرط کابل و انتظار حادثه، خونین آن، روان اجتماعی ملت را اشغال کرد. است. کبار دیگر، ورود و انتظار سرنوشت سیاسی، با طرح از عقب در های بسته، ملت را از سحنه برون نگهداشته و بازهم حادثه، بعد از سیر نهایی خریش، چهره و ماهیت اراده. بنهان و سرنوشت ساز را برای ملت افغانستان. به نمایش خواهد گذاشت. کابل و باشنده، ن، یکبار دیگر شاهد هبوط نظام تحمیلی و نزول حاکمان جدید است. دلهره، شکست نظام سیاسی، ولو پوشالی وبی ماهیت نیز باشد، بیانگر تغییریست که رابطه، مستقیم با رتوشت سیاسی و اجتماعی هر فرد ملت دارد.

> اینك كابل هم گرسنه است رهم ویران. جسم شهر پاره است و روان همشهری، با تصویر بت در عصر خون ومرگ اریابان قدرت و با اضطراب، ورود قدمی را احساس بكند كه تا هنوز صداقتش براي عدالت سياسي آزمايش نشده است؛ چون كابل، سرزمين زمایش و شناخت و درك ماهیت سیاست ها و آرمان ونیات صاحبان آن است. كابل حکی است که صداقت ها و ایمان ها را در برابر سرنوشت ملت به تاریخ سیاسی و جتماعی ملت سپرده است. این شهر، شهر تاریخ است؛ با هر خیانت به ملت قربانی شده ت ودر هر کوچه، فقیر و گرسنه، آن، نمایش عدم تعهد زمامدار به شهر وشهروند آن

درانين شيباره

ملت معيوب را به تاريخ نس بیش تر ازصد سال است که ملت خویش را معيوب، حفظ كرده ايم واين معيوبيت په شا فقدان «وحدت ملی» ونابودی روحیه، مشترك همزیستی عادلانه و مساوات تبارز کرده است.

تشیعدرباری،

از خیانت مذهبی تا برده گی سیاسی

نیروهای مقاومت در جامعه، هزاره، یا با انگیزه، مذهبی در برابر فاشیسم می جنگیدند یا با انگیزه ملی، یا هم با تلفیقی از هردو. بناءً تشیع درباری تبلیغات خود را به گونه یی سازماندهی کرد که همزمان هر دو محور را مورد حمله قرار داده، ذهنیت مردم را مخصوصاً در رابطه با تعهد و صداقت رهبر شهید، که حلقه، اتصال تمامی نیروهای

مقارمت به حساب می آمد، بد بین سازد.

اعلاميه عانون فرهنكي رهير شهيد و شورای توپستده کان ، امرور ما،

کانون فرهنگی رهبر شهید با همکاری شورای نویسنده گان «امروزما» به مناسبت اولین سالگرد شهادت پیشوای شهید مردم، وعبدالعلى مزارى، ويژه نامه بى را به نشر ميرساند. از عموم خواهران و برادران صميمانه تقاضا به عمل مي آيد که اشعار، مقالات، خاطرات، طرح های ادبی- هنری، عکس و ... خویش را به آدرس کانون فرهنگی رهبر شهید ویا اداره عرامروزما ، بفرستند.

آدرس كانون فرهنگى:

I/9 - P.O. Box: 117 Islamabad- Pakistan است. كابل نمايش سمبوليك قرباني شدن براي قدرت وخيانت است. هر خشت آن فرياد جفاي حاكميت ضد مردمی را سر میدهد و هر ویرانه. آن خیاتت به انسان یك سر زمین را نعره میكشد

... ویاز کابل به مکان آزمون تاریخ تبدیل شده است. باز حادثه بعد از اوج خویش برای افتخار موهوم قدرت وانحصار، در آن فرود می آید.. و باز شهر، در سكوت اضطراب سقوط، نفس ميكشد وباز همشهري. قربانی یك قاجمه، هوس وانحصار، با خانه، ویران وشکم گرسنه، منتظر تحولیست که از عقب درهای بسته، به حادثه، وسقوط كابل، منجر خواهد شد!

چهره، فردای کابل، هنوز هم ناشناخته است... و اما کابل، زایشگاه حادثه، آیینه، صدیق انعکاسات برای تاریخ ویرای ملت خویش خواهد بود. ٥ (قسمتدوم)

حقارت اجتماعی و محرومیت یك عضو ملت، مع سأل است كه ملت خويش را با پيكر معيوب حفظ كرده ايم و اين معيوبيت به شكل فقدان وحدت ملم و نابودی روحیه، مشترك همزیستی عادلانه و مساوات سیاسی تبارز كرده است.

> چرا ملتی روحیه مشترك زیست عادلانه و با همی را از دست دهد و حاكمیت سیاسی، كه عنصر همآهنگ كننده، خواستهای ملت است، به محور اساسی خونریزی و نفاق اجتماعی تبدیل میشود؟ روابط اجتماعی ملت در دو بخش تقسیم میشود: یکی روابط سیاسی سازمان نیافته و دیگر، روابط سازمان یافته سیاسی که دولتها وحاکمیتهای سیاسی ممثل آن در جوامع است. خراستهای خاص هر قشر ملت، که بیانگر درد ها و معضلات خاص همان قشر نیز است، حاکمیت سیاسی را به مرکز تجمع درد های ملت تبدیل میکند. ضرورت عادلانه بودن مرکزیت سیاسی از مين نقش آن هويدا ميكردد.

> انحصار سیاسی حاکمیت به نقع یك قشر ملت واستفاده از امکانات اقتصادی، نظامی، تبلیغاتی و سیاسی آن برای دشمنی با اقشار دیگر ملت، بیانگر عراملی است که شالوده، زنده کی باهمی را از ملت میگیرند. انحصار، زیربنای نفاق و شکست ووحدت ملي، است. انحصار سياسي، دشمن انسان وانديشه هاي انسانی یك ملت است و زمانی كه انحصار سیاسی به عنوان نظام حاکم سیاسی بر سرنوشت یك ملت تحمیل گردید. بقای آن وابسته به فروپاشی تمام نهاد های تکاملی، اجتماعی و فرهنگی ملتها میگردد. چرن انجصار حاکمیت، تحمیق سیاسی و نابودی آگاهی سیاسی واجتماعی توده ها را، به عنوان اولین دست آورد حفظ قدرت، باید در عقب خویش داشته باشد. ملت آگاه و صاحب شعور اجتماعي و سياسي، صاحب شخصيت انساني خريش است و هیچکسی نمیتواند سرنوشت حقارت بار ذهنی و اجتماعی را برابن ملت تحميل غايد.

مطرح شدن انحصار درچوکات یك نظام سیاسی، باید کلیه قانونمندیهای عادلانه، اجتماعی و سیاسی را نابود کند؛ چون نحصار بدون خود محوري وجود نميداشته باشد و خود محوري است که باید تمام قانونمندیهای اجتماعی و سیاسی را به نفع یك

گروه خاص بچرخاند، نظام انحصاری، با برچیدن روابط اجتماعی سازمان یافته، سیاسی اقشار ملت، خصومت و رقابت اجتماعی را جانشین آن میسازد و از همینجاست که انحصار گران، حتی قشر نظر خویش را نیز فاقد سرنوشت مطمین اجتماعی میسازند. سیاست رکود فکری و اجتماعی در نظامهای انحصاری، قانوغندی عام را داشته، چون رشد اندیشه های انسانی و آگاهی بخش حتی در درون قشر مورد حمایت حاکمیت انحصاری نیز، مایه انفجار اجتماعی و خیزش اجتماعی توده های حروم میگردد. اندیشه های انسانی، همیشه مرز های آهنینی را که اندیشه های ارتجاعی در روابط میان انسانها ایجاد مین نابود کرده و ارزشهای اجتماعی و انسانی را نیز ژیربنای روابط سیاسی آنها قرار داده است. بناءً، انحصار گران ناگزیر اند که کلیه نهاد های سیاسی.فرهنگی و مذهبی آگاهی بخش جامعه را نابود کنند ویا به گونه یی مسخ سازند که همان نهاد ها به عوامل نابودی فرهنگ و تحمیق سیاسی و مذهبی توده ها منجر گردد.

بعد از این مرحله است که و نفاق، به مثابه قانون مسلم روابط جتماعی مطرح گردیده و مطلقاً بنا بر نیازمندیهای حاکمیتهای انحصاری برای حفظ بقای شان است. رشد نفاق اجتماعی در گام نخست وابسته به نابودی روابط سازمان یافته، سیاسی جوامع است که محل آن صرف حکومتهای عادلانه بوده میتواند و بعدا. عناصر اجتماعی تقویت کننده، نقاق در درون هر قشر ملت رشد داده میشود که زمینه، هرگونه روابط انسانی و روابط سیاسی سازمان یافته اجتماعی را نابرد کنند؛ چون روابط انسانی میان اقشار ملت باعث تشکل روابط سیاسی سازمان یافته شده که باعث ستوط حاكميتهاى انحصارى ميگردد. وقتى أغوش ملت مفکوره، انسانی را در خود بپروراند، احمد شاه مسعود و س فاضل و محسنی نمیتوانند که تمام قدرتشان را برای تحریکات نفاق افكنانه ميان جامعه، برادران پشتون، هزاره وازبك به خرج دهند و مید موفقیت را نیز از این سیاست برای استحکام حاکمیت انحصاری خویش داشته باشند.

رشد عوامل نفاق در درون هر قشر ملت، خطرناکترین سیاستی است که روحیه، مشترك زیست اجتماعی یك ملت را نابود كرده و با مشغول ساختن ذهن اقشار ملت با مسايل زباني و نژادي و مذهبی و با ایجاد مفکوره های خود برتر بینی های مذهبی، زبانی و نژادی، حاکمیت را برای ابد از شر خواستهای عدالت آجتماعی نوده ها بيغم ميسازند.

تراژیدی خونبار کنونی ملت ما، صرفاً محصول اندیشه هایی است که انحصار سیاسی، تمام هم و غم شان را تشکیل داده و هنرز هم به گونه های مرموز و دقیقاً سازمان یافته، جنگ برای انحصار را ادامه میدهند. انشای چهره های نفاق افگنانه در درون هر قشر ملت، یکی از وظایف روشنگرانه، عناصر آگاه هر قشر ملت است. ختم وضعیت موجود، متکی به مبارزه آگاهی بخش و افشا کننده، چهره هایی است که در درون هر قشر ملت سنگر

گرفته اند و انحصار و امتیاز طلبی را به بهای نابودی روحیه شترك زيست باهمي، تقويت و حمايت ميكنند.

فاشیزم مسعود- ریانی، در طی سه سال حاکمیت انحصاری، تحریکات نُژادی و ملیتی را به عنوان یگانه سیاست حفظ بقای خویش، به آخرین نقطه، اوج آن رسانیده اند که این امر اگر از یك جهت عامل خونریزی اسفناک اجتماعی برای ملت بوده، از جهت دیگر افشا شدن چهره های مخفی نفاق افکنی در درون اقشار ملت نیز بوده است که در طی سالهای متمادی، به صورت خیلی ها مرموز و سری. عامل ایجاد عقده های اجتماعی در میان اقشار ملت بوده اند. فاشیرم مسعود، تمامی چهره هایی را در جوارش جمع کرد که عظمت طلبی نژادی آنها، چون عقده، آشتی ناپذیر با بعضی اجتماعی دیگر ملیتها، آنها را به موضع ریختن خون ملت و ترهین به حیثیت ملی اقشار آن کشانید؛ که این امر به مثابه، گام خونین ملت به طرف آگاهی نیز محسوب شده میتواند.

جامعه، میلیونی هزاره، متشکل از مذاهب تشیع، تسنن، و شیعه، اسماعیلی میباشد. این بخش بندی مذهبی، یکانه زمینه، نفوذ عوامل نفاق اجتماعی در درون جامعه، هزاره تلقی گردیده که از یك طرف عامل رشد اشرافیت زالومنشانه مذهبی را بر جامعه، هزاره حاکم ساخته و از طرف دیگر، روابط اجتماعی هزاره ها را با دیگر اقشار ملت صرفاً با تحریکات مذهبی تعیین کرده است. تشتت اجتماعی هزاره توسط مذهب درباری و عاملان نفاق اجتماعی ملت: به حدی بوده است که حتی روابط اجتماعی خود هزاره ها را در درون اجتماع واحد خود شان نیز از میان برداشته است. تشیع درباری، به عنوان اشرافیت مذهبی غیر انسانی در جامعه، هزاره، هم از حاکمیت و برتری نژادی شیعه های درباری در جامعه، هزاره حمايت كرده وهم روابط اجتماعي هزاره هاي سني و اسماعیلی را، به عنوان افراد یک اجتماع واحد، با هزاره های شیعه نابود کرده است. این عناصر غیر هزاره، عوامل تطبیق

کننده، مرامهای نفاق افگنی حاکمیتهای انحصاری در جامعه، هزاره بوده اند که وظیفه دارند که جلو روابط غیر سیاسی و سازمان نیافته اجتماعی هزاره را با دیگر اقشار ملت بگیرند. موضعگیری سیاسی این عناصر در جوار مسعود، کاملاً از گرایشات نژادی و زبانی برخوردار بوده وتحریك جامعیه ٍ هزاره را علیه جامعه، برادر پشتون، به شکل خیلی ها علنی آن عملی مینمایند. شهادت ورهبر شهید، توسط وطالبان، بزرگترین زمینه، تبلیغاتی را برای این عناصر وابسته به دستگاه قاشیزم کابل بیمانی را برای این عناصر واست به دستاه قاشیزم کابل مساعد ساخت. قتل عام جامعه، داره ترسطه ابیرعبدالرصن» و سرنرشت حقارت بار اجتماعی عزاره ها که ناشی از خصومت سیاسی حکومتها در صد سال اخیر میباشد، قریترین انگیزه برای تحریك عقده های تاریخی و اجتماعی هزاره ها علیه جامعه، برادران پشتون، در دست تشیع درباری برده بیگانه کان و دستان و حدت ملی کشور، بوده میراند، وطالبان، دون درك تاریخی و بدون درك از ماهیت رژیم اتحصاری و غبر انسانی كابل، عامل شكست مقاومت انساني غرب كابل به نفع حاكميت مسعود و شیعه های هم نژاد او گردیدند.

هه های درباری غیر هزاره و بیگانه پرور، با موضعگیری کاملاً تؤادی و زبانی عمل طالبان و را ابه عادان نیت سرتاسری جامعه برادر پشتون در برابر هزاره ها تبلغ غروه و با داشتن مصداقهای تاریخی میخواهند که انزوای اجتماع آل آسیاسی این جامعه را در کشور عملی غایند وجامعه خراه را در جوار حاکمیت غیر عادلانه کابل بکشانند. سه سال اخیر به اثبات در کار رسانیده است که دیگر زمینه، حذف سیاسی اقشار ملت از دستگاه باسی نابود شده است. آگاهی ملت بدان سرحد رسیده است که نگذارد حق تعیین سرنوشتش را با غدر های سیاسی این یا آن گروه عظمت طلب نابرد کنند. همین انگیزه و علت است که سیاست ها و موضعگیری های عظمت طلبی به زود ترین فرصت روسیاه و به شکست مراجه میشوند. خوشبینی و بدبینی ملّت در برابرجنبش«طالبان» ناشی ازهمین آگاهی ملت است. سرنوشت«شورای نظار» و «جمعیت اسلامی» بیانگر عدم پاسخگویی به مفکوره، عدالت سیاسی و اجتماعی اقشار است که هر دو نتوانستند صداقت خویش را برای عدالت سیاسی و دید انسانی دربرابر سیاست عادلانه به اثبات رسانند. مرجودیت نبلیغات تحریک آمیز علیه این یا آن قشرملت، بیان کننده مرجودیت حاکمیتی است که به نفاق اجتماعی ورقابتهای خصمانه، اجتماعي ميان اقشار ملت ضرورت دارد. اقشار ملت به مثابه، اعضای پیکریست که ملت نامیده میشود. حقارت اجتماعی و معرومیت اجتماعی یك عضو ملت. معبوبیت پیكر ملت را باعث میشود. بیش تر ازصد سال است که ملت خویش را باپیکر معبوب، حفظ کرده ایم واین معبوبیت به شکل فقدان ووحدت ملی، ونابودی روحیه مشترك همزیستی عادلانه و مساوات تبارز كرده است. •

(۲۳ سنبلد ۱۳۷۳ : آغازیك تاریخ)

نظاهرات خود جوش و اعتراض آميز مردم افشار و غرب كابل براى تقبيع خط معامله و خیانت در تشکیلات سیاسی حزب وحدت، تشیع درباری را مواجه با ناگزیری تازه یی ساخت که بر مبنای آن، باباید صریحاً در مقابل احساسات و خواسته های مردم قرار می گرفت و جنآیت فاشیسم در چنداول. افشار و غرب کابل را تقدیس میکرد. یا اینکه با تجدید نظر در برنامه ها و عملکرد های خود. اولاً زمینه های مقاومت مردم را می خشکاند و ثانیاً هسته. رهبری سیاسی هزاره را که قویاً متعهد به خون و مظلومیت غرب کابل بود و فاشیسم را به خاطر خیانتش به آرمان آزادی و عدالت. شدیدا مورد حمله قرار میداد . در هم می کوبید

مسلم بود که تشبع درباری با ترجه به پایگاه و باور های خاص خود. نه تران ایستاده گی صریح در برابر خواست و اراده، مردم را داشت و نه هم فاشیزم مسعود که برای گوبیلن جامعه، هزاره، از قوی ترین حربه های جنگی اش استفاده کرده و ناکام مانده بود، می توانست از او حمایت کند.

فاشیسم و تشیع درباری، هر دو می دانستند که مقاومت غرب کابل در برابر تهاجم روباروی. تمام سیاست های بی عدالتی دنیا را میخکوب کرده و امکان ندارد که این جبهه. بدون عملیات هماهنگ درونی و بیرونی در هم بشکند؛ لذا مصرانه در پی آن افتادند که پروژه، د آزادی، را، اینبار با زمینه، وسیعتر و گسترده تری روی کار اندازند و نقش فعال تشیع درباری را برای فرسایش هسته های مقاومت در جامعه، هزاره تکمیل نمایند تأ در رحله، بعدی که فصل عملیات نظامی آغاز میشود، هرگرکه مقاومت و ایستاده کی یی را نضعیف غرده باشند.

تشبع درباری با شناخت از ترکیب نیروهای رزمی در جامعه، هزاره، در محور را برای مقاومت غرب كابل عمده مي دانست:

۱ - محور مذهبي

۲ - محور ملی

بروهای مقاومت در جامعه، هزاره، یا با انگیزه، مذهبی در برابر فاشیسم می جنگیدند یا با انگیزه، ملی، یا هم با تلفیتی از هردو. بناء تشیع درباری تبلیفات خود را به گرند یی سازماندهی کرد که همزمان هر دو محور را مورد حمله قرار داده، ذهنیت مردم را مخصوصاً در رابطه با تعهد و صداقت رهبر شهید. که حلقه، اتصال تمامی نیروهای مقاومت به حساب می آمد. بد بین سازد. اتهاماتی که از سوی مبلغین تشیع درباری بر علیه رهبر شهید مطرح و شایع می گشت، عمدتاً مسایلی را در بر می گرفت که تحریك کننده، احساسات مذهبی یا ساسات ملى مردم بر عليه ايشان، محسوب مي شد. مثلاً اتهامات مطرح در حلقه هاى مذهبی این بود که رهبر شهید عناصر غبر مذهبی را در اطراف خود جمع کرده و مورد حمایت قرار داده است؛ از جنرال دوستم و کمونیست ها پیشتیبانی می کند؛ در دوران حضرت مجددی. خلقی ها و عناصر غیر جهادی را به عنوان وزیر معرفی کرد... این اتهام. تعهد مذهبی رهبر شهید را در ذهن مردم معتقد به مذهب و ارزشهای جهادی، زیر سوال می برد و از ىرى ديگر ، قاجمه هاى چنداول. انشار و حتى جنگهاى وحشيانه. سياف عليه مردم غرب کابل را ناشی از سیاست ها و موضعگیریهای رهبر شهید قلمداد می کرد. آتای اکبری در مزاری و خلیلی است ، (۱)

فشرده، تبلیغات اغراگرانه، تشیع درباری در مورد شخصیت رهبر شهید، و مقارمت فرب کابل در نشریه، تشیع درباری چنین آمده است: د... دسته، اول افراد و اشخاص بی بند و بار حرفوی، رهزنان و دزدان مسلح، افراد سادیست عقده ای، فرصت طلبان بی مایه چپاولگران معامله گر و افراد ضعیف النفس فاقد اعتقادات دینی، مذهبی را شامل میگردد که بغیر از عیاشی. قمار، فحشا و منکرات برنامه، دیگری را نشناخته ساعات و فراغت شان را با لهو و لعب و توهین و تحقیر به انبیا (ع) و اهانت و دشنام به انسه. معصومین (ع) و بزرگان دین و کفر و باطل گریمی نسبت به بارگاه احدیت پروردگار می گزرانند (می گذرانند) ... باند مخفی پشت پرده جهت استفاده، موثر تر از اینها القاب زیبای قهرمان ملی. مظهر اراده، مردم. سرباز قوم و ... را به ایشان چسپانیده از جهالت و بدبختی آنها به نفع خویش و باداران شان

در مورد جنگهای غرب کابل و فاجعه افشار می نویسند: «... برای اثبات فرماندهی اش با نیروهای جمعیت و سیاف همزمان در گیری را آغاز کرد و فاجعه المناك افشار را برای اس به خبروسی بعضیت و سیات معرفان در میری را اعدار در و ناجعه امدان افسار را برری مردم و تاریخ این کشور بوجود آورد. مزاری تحلیلش از این جنگهای خانمانسوز و بی هدف این بود که می گفت: و تاحق و ناحق نکنیم، مشهور فیشویم و کسی بدون جنگ بما پول نمی دهد، این بود که افشار قربانی شهرت طلبی مزاری بزرگ گردید. و (۳)

این تبلیغات با تمامی ابعاد و جوانب آن، قبل از فاجعه، افشار نیز به طور وسیعی در غرب کابل پخش می شد و رهبر شهید در سخنرانی ۱۵ جدی ۱۳۷۱ که به مناسبت میلاد امام علی علیه السلام ابراد فرمودند. ضمن تحلیل جامع از وضعیت سیاسی - نظامی و صف بندیهای موجود در کشور. مواضع و عملکرد های وتشنه به خونان هزاره و را به دقت شرح دادند و کسانی را که نا آگاهانه و با عدم درك درست از تاریخ و سرنوشت اجتماعی و سیاسی مردم. آله، دست دشمنان قرار گرفته و مبلغ ذهنیت های تفرقه آمیز و یأس آور در بین مردم می شدند. شدیدا مردد اداد در در مین مردم می شدند. شدیدا مرد اراد دادند و موضعگیری آنها را به موضعگیری های وخوارج، در زمان امام علی علیه السلام تشبیه غرده، هوشدار دادند که دمردم ما باید متوجه باشد. هر کس که با مقدس نمایی و شب زنده داری و نماز خوانی اینطور فکر کند و از مردم ما دفاع نکند. خاین است. بر رهبر شهید در همین سخنرانی باذکر جنایت های فاشیسم در چنداول و کبنه توزی های سیاف در غرب کابل، از همدردی و همسویی جنبش ملی – اسلامی با مردم هزاره یاد کردند و همکاری آنها را در جریان محاصره، چنداول مورد ستایش قرار داده، گفتند: «...وقتی که چنداول در محاصره بود، میان نیروهای فرقه، ۵۳ و شورای نظار جنگ کنند؛ هرودی که چناون در محاصره بود، میان نیروهای فرقه، ۱۳ و شورای نظار چنک پیش آمد، چون دل ما به خاطر چنداول می سوخت، از آنها خراستیم که با نیروهای ما که از اینظرف می آیند، کمک کنند تا چناول آزاد شود؛ آنها گفتند خوب است، گرچه آقای درستم ما را از پیشروی منع کرده است، ولی شما که می گویید، حرفی ندارم؛ نیروهای شما از آنطرف حرکت کنند، ما هم از اینظرف می آییم؛ متأسفانه زمانیکه ما نیروهای مان را قرمانند دادیم که چنداول را از محاصره خلاص کنند و با مردم تشیع و منطقه، عزب وحدت وصل شوند، آن شب بعضی از دوستان کار شکنی کردند و نگذاشتند که این تقشه عملی شود؛ تحلیل شان هم این بود که کمونیست ها حاکم میشوند! یعنی نیروهای شمال که برای کمک شما ت ها هستند! ... از ابن دوستان بایسنت بهرسیم که آیا سیاف اگراحاکم می آمده اند، كموني شد، زنده کی آرامی را برای تان به وجود می آورد؟! ی (lelas elet)

(۱) وحدت اسلامی، نشریه، تشیع درباری، ش ۱۲، ص ۳، سخنرانی اکبری، ستون ۳.

(٢) همان، ش ٤ ص ا

(۳) همان، ش ۱۷ ، ص ۱ و ٤ ، مزاری و خانهای دوسره.

ملاك ما منافع ملت افغانستان است؛ هركس مطابق مصالح و منافع اين ملت كار كند و مدافع منافع آن باشد، براى ما ارزش دارد.

امروز در تاریخ مردم ما نصل جدیدی باز نده و ما به مرحله، تازه یی رسیده ایم که امید وارم با انسجام و همکاری شورای مرکزی، قوماندانان، مجاهدین و مردم آگاه و آزاده، خود، این نصل را به نفع مردم خود ورق زنیم که آینده، خوب و روثنی در انتظار ماست.

همه چیز رهبر خود را از دست داده بودیم؛ اما امید به یاری خداوند و احساسات پاك و آگاهاند. مردم ما از داخل و خارج و حمایت های بیدریغ آنان از خط سرخ رهبر شهید، ما را استواری بخشید که بار دیگر این پرچم به زمین افتاده را برداریم ودر اهتزاز آن خود را برای قربانی شدن در راه آرمان و خواسته های بر حق مردم خود آماده سازیم. این بود که بلا فاصله پس از تدفین رهبر شهید به این فکر افتادیم که درمورد مرکزیت حزب رحدت تصميم بگيريم كه در كجا باشد: در قندهار وهرات جا نداشتيم، در مزار هم مناسب نبود ، كابل از دست ما گرفته شده ودر چنكال دشمنان مردم ما اسیر بود، لذا طبیعی بود که باید به خانه، اصلی خود بر می گشتیم ودر هزاره جات، در کنار مردم خود، به فعالیت آغاز می کردیم. به این ترتیب بود که مرکزیت حزب وحدت به بامیان آمد و اعضای حزب حیمانه تلاش خود را برای بازسازی حزب و پی گیری خط رهبر شهید آغاز غودند. دبير كل حزب وحدت اسلامي افزودند: اما ما اصلاً تصور غي کردیم که باز هم کسی بیاید و در اینجا علیه ما جنگ را آغاز نماید. چون ما دیگر برای هیچکس مانع به حساب نمی آمدیم و از فاجعه، غرب کابل داغدار بودیم؛ ولی باز هم به ما خبر رسید که آقای اکبری و هادی از کابل داغدار بودیم؛ ولی باز هم به ما خبر رسید که آقای اکبری و هادی از کابل به قصد جنگ افروزی در بامیان تصمیم گرفته اند، ما هیأت فرستادیم تا با آنها مذاکره کند و از بروز جنگ جلوگیری غاید. هیأت ما به آنها گفت که باید مصالح مردم را بیش از این زیر پا نگذارند و اجازه بدهند که ما در کنار مردم خود پاشیم. ما نیروهای متعلق به انوری و اکبری را در بامیان اعاشه می کردیم و راضی نبودیم که حتی خون یک جوان هزاره وشیعه در هزاره جات ریخته شود؛ اما آنها با پیشنهاد مابه بی اعتنایی برخورد کردند و حتی آقای اکبری در جمع برادران تاجك ما سخنرانی کرده و با کمال بیشرمی برای آنها اعلام کرد که در بامیان نیروهای من ضربه نخورده و به آنها اسیب نرسیده است، در آنجا تاجك ها صدمه دیده و من کنون به طُرفداری از تاجك ها آمده ام. شما چرا بر نمی خیزید و جنگ نمی کنید؟ این بود که اکبری و انوری، پرچمدار و مزدور نیروهای اجنبی شده و پیشاپیش نیروهای شورای نظار و انحاد سیاف به سوی بامیان لشکر کشی *گردند و چنگ تحمیلی نابرابر را ایجاد کردند. در این جنگ که ما* هیچگونه آماده کی جنگی نداشتیم. طبیعی بود که عقب نشینی کردیم و تمام نقاط بامیان را تخلیه کرده در نزدیکی یکاولنگ خط دفاعی تشکیل دادیم. امامتأسفانه که اکبری و انوری، نیروهای اجنبی را به سمت یکاولنگ نیز سوق داده، میخواستند که مردم اینجا را نیز زیر پای لشکر دشمنان مردم ما قرار دهند که به یاری خداوند و همت فرزندان دلیر مردم، خط دفاعی نیرومندی در اینجا تشکیل و نیروهای دشمن دوباره با شکست سنگینی مواجه شد و حتی تانکها و وسایط زرهی شان با پرچم ها و آرم های شورای نظار و اتحاد سیاف به غنیمت رزمنده گان غیور شما در آمد و این شایعه، دشمن را خنثی ساخت که تبلیغ می کردند جنگ هزاره جات

میان خود هزاره ها و شیعه ها و یك حنگ داخلیست. استاد خلیلی در دادامه، سخنان خویش گفتند: چنگ هزاره جات، واضع است كه از سوی دشمنان مردم ما سازماندهی شده كه در پی نابودی ارمان و منافع ملی مردم ما هستند. اكنون این حقیقت برای همه روشن گردیده است كه نیروهای اجنی بالای خانه، ما تجاوز كرده و قصد نابودی مردم ما را دارند؛ وقتی كه این خبر به گوش مردم هزاره جات رسید، مردم از نقاط دور و نزدیك سیل آسا به سوی مركز حزب وحدت اسلامی شنافته و برای دفاع از حریم آرمانهای ملی و مذهبی خود عازم سنگر های مقاومت گردیدند كه فعلاً بحمد الله مردم ما كاملاً در صحنه حضور داشته و حزب وحدت از توانایی نظامی مطلوب بر خوردار است و با نیرو های رزمی و محدت از توانایی نظامی مطلوب بر خوردار است و با نیرو های رزمی و امكانات تسلیحاتی خود قدرت مقابله با هر گونه تهاجم دشمن و دفاع از مردم خود را دارا میباشد. امروز می بینیم كه دشمن از زیده ترین قرماندانها و نیروهایش در جنگ بامیان استفاده می كند، اما باز هم در برابر ایان و پایناری فرزندان شما به زانو در آمده و مواجه با شكست حتمی گردیده است.

استاد خلیلی در مورد وضعیت سیاسی حزب وحدت اسلامی اظهار داشتند: فعلاً این حزب از موقعیت سیاسی خوبی برخوردار است، شورای مرکزی حزب یك مجموعه، صميمی بوده كه در فضای كاملاً درستانه و دلسوزانه کارها را به پیش می برند؛ ایشان افزودند: دشمنان حزب بر این باور بودند که پس از فاجعه، غرب کابل، عمر این جریان به پایان رسیده و حیات سیاسی خود را از دست داده است، اما شورای مرکزی علیرغم مشکلات و دشواری های زیادی که داشت. تلاش نمود و حزب را از سقوط نجات داد. دشمن برای ایجاد تفرقه در میان اعضای شورای مرکزی از راهها و وسایل گوناگون استفاده کرد؛ مسایل نژادی هزاره. سادات، قزلباش، بیات و غیره را دامن زد تا از طریق آن در بین حزب رخنه کند، ولی به هیچ نتیجه یی نرسید. شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی به خوبی درك می كرد كه مسايل فرعی نبايد انسجام حزب را به نقع دشمنان آرمان و آرزو های مردم ما پارچه پارچه کند، زیرا دشمن نشأن داده است كه در موقع تسلط خرد بر هيچكس رحم نمي كند؛ ما در فاجعه، افشار و غرب كابل ديديم كه هزاره، سيد، قزلباش، بيات، ازبك و غیره هرچه بودند، قربانی شدند و مورد تجاوز و تعرض دشمن قرار

دبیر کُل حزب وحدت اسلامی تأکید کردند که دامن زدن به مسایل نژادی، قومی و منطقری به هیچصورت به نفع مردم ما نیست، این یك ترطنه، دشمن است که ذریعه، آن میخواهد چند پارچه گی را در صفرف ما تحمیل کند. ایشان افزودند: امروز ترطنه های دشمنان مردم ما در همه، عرصه ها نابود گردیده و ما در یك موقعیت نظامی و سیاسی مطلوبی قرار داریم که مرهون درایت و فداکاری مردم ما است.امروز

مردم ما بیدار شده و هزاره جات فعلی غیر از هزاره جات سالهای تبل است که این ماید، دلگرمی ما و پشتوانه، بزرگ حزب ما به حساب می

رید.
در کُل حزب وحدت اسلامی در قسمتی دیگر از سخنان خریش با اشاره به فعالیت های صلحجریانه بی که در مورد ختم جنگهای هزاره جات جریان دارد، بیان داشتند: چندین بار هیأت هایی که از جاهای جات جریان دارد، بیان داشتند: چندین بار هیأت هایی که از جاهای که می توانند جلو تشنج و خزیرفتیم و اختیار دادیم که به هر وسیله بی آرامش را باز گردانند؛ از جمله هیأت ایرانی که می خواست بیاید، چندین بار تذکر دادیم که ما از صلح استقبال می کنیم، ولی هیأت صلع باید با بار تذکر دادیم که ما از صلح استقبال می کنیم، ولی هیأت صلع باید با احسات و خواسته های مردم ما سازگار بوده غیتواند؛ ولی متأسفانه احسات و خواسته های مردم ما سازگار بوده غیتواند؛ ولی متأسفانه کابل با طیاره، دشمن که هر روز بالای مردم ما پیم می ریزد، وارد هزاره جات شد و طبعاً این آمدن، چون برای مردم ما قابل قبول تبود، از طرف شورای مرکزی رد شد.

استاد خلیلی افزودند: امروز در تاریخ مردم ما قصل جدیدی باز شده و ما به مرحله، تازه بی رسیده ایم که امید وارم با انسجام و همکاری شورای مرکزی، قوماندانان، مجاهدین و مردم آگاه و آزاده، خود، این قصل را به نفع مردم خود ورق زنیم که آینده، خوب و روشنی در انتظار ماست- انشا، الله. استاد خلیلی در ادامه تأکید کردند: ما به قرموده، رهبر شهید، عاشق قیافه، هیچ کس، جمع و گروپ خاصی نیستیم. ملاك ما منافع ملت افغانستان است.

هر کس مطابق مصالح و متافع این ملت کار کند و مدافع متافع آن باشد، برای ما ارزش دارد و هر کس که مخالف عظمت و حیثیت مردم ما باشد، دشمن مردم ماست، و لو هر کس و با هر چهره یی که باشد، فرق نمی کند؛ کسیکه شب و روز نماز بخواند و دارای ایمان مقدس هم باشد، ولی به خون مردم ما تشنه باشد، دشمن مردم ماست، باید چلرش گرفته شود و ماهیت خصصانه اش افشا، شود.

استاد خلیلی در پایان مردم را متوجه مسئوولیت ها و رسالت های شان در شرایط حساس کنونی و در رابطه با سرنوشت شان ساخته، اظهار داشتند: شما مردم باید بیدار و هوشیار باشید، وحدت و انسجام خود را حفظ کنید. حزب وحدت و شورای مرکزی نیز در پیشگاه شما تعهد می

سپارد که برای دفاع از منافع شما و تداوم خط سرخ رهبر شهید، از هیچگرنه ایثاری دریغ نکند و از راهی که رهبر شهید یا خون پاك خویش ترسیم غوده و همانا راه عدالت، برابری و زنده گی انسانی برای قام مردم کشور است، انحراف نورزد. ●

موسفیدان و متتفذین سرخ جوی ولسوالی ورس ولایت بامیان در دیدار با دبیر کُل حزب وحدت اسلامی:

مردم هزاره جات به خوبی میدانند که چه کسی در جمت مصالح و منافع مردم حرکت می کند و چه کسی همدست با دشمنان مردم میشود.

جمعی از موسفیدان و متنفذین سرخ جوی ولسوالی ورس به تاریخ . ۱۳۷٤/٦/۲ با حضور شان در مقر رهبري حزب وحدت اسلامي، با محترم استاد خلیلی، دبیر کُل این حزب ملاقات و گفتگو نمودند. بر اساس گزارش خبر نگار «صفحه، نو» از بامیان در این دیدار ابتدا یك تن از حاضرین به نماینده کی از مرسفیدان و متنقذین سرخ جوی، ملاقات با دبیر کُل حزب وحدت اسلامی را مایه، چشم روشنی و امیدواری خوانده گفتند: وضعیت فعلی کشور، مخصوصاً پس از شهادت رهبر شهید و فاجعه، غرب کابل. بسیار درد ناك است. جنگهای شدیدی كه فعلاً بر علیه مردم ما در بامیان راه انداخته شده است. همه، ما را متوجه مسئوولیت های ما ساخته و حکم می کند که متحدانه و یکپارچه، از حریم منطقه و مردم خود دفاع کنیم. وی با یاد آوری دین خون رهبر شهید بر گردن همه، مردم هزاره جات، گفت: اینك ما به خوبی درك می كنیم كه چه كسانی بر حٰق بوده و در جهت مصالح و منافع مردم حرکت می کنند و چه کسانی برعکس، با دشمنان قسم خورده، مردم همدست شده و برای منافع شخصی، در خدمت مسعود و سیاف قرار گرفته اند. وی افزود: ما از تمامی سیاست ها و اصول حزب وحدت و مقام محترم رهبری آن در امر دفاع از خواسته های ملی و مذهبی خویش پشتیبانی غوده آماده، هر گونه فداکاری می باشیم.

سپس استاد خلیلی، دبیر گل حزب وحدت اسلامی، ضمن تقدیر از احساسات نیك و آگاهاند، مردم سرخ جری بیان داشتند: برای من ماید، تشویق و افتخار است که خود را خدمتگذار و مدافع مردم خود می یابم. ایشان با یاد آوری خاطرات مقاومت خونین غرب کابل، گفتند: رهبر شهید، خواستار احقاق حقوق شما ملت بود؛ او میخواست که عدالت اجتماعی در کشور تأمین شود و مردم ما از ذلت و خواری نجات پیدا کنند. آرزوی رهبر شهید چیزی غیر از عزت، هویت و عظمت برای ملتش نبود، اما متأسفانه دشمنان آزادی و حربت مردم وی را خاری در چشم خود احساس می کردند و همیشه بر علیه او توطئه و دسیسه راه می انداختند؛ مخصوصاً یکعده خاینینی که اکنون برای همه معلوم شده است، از هیچگونه تبلیغات و خاینینی بر علیه ایشان دریغ نورزیده و با تمام قوا در پی نابودی اش تلاش دشمنی بر علیه ایشان دریغ نورزیده و با تمام قوا در پی نابودی اش تلاش

و مکلفیت های مردم هزاره جات، گفتند؛ جنگ افروزی دشمنان ملت ما در بامیان به همدستی خاینین ملی بهار دیگر نشان داد که مردم ما در دوراهی انتخاب جدی قرار دارند که یابه ذلت و خواری تن دهند و هرگونه ننگ و سر افگنده گی را تحمل کنند، یا اینکه بهاخیزند، مقاومت کنند و باخون سرخ خود، از عزت، هویت و ناموس خوش دفاع کنند.

دبیر کُل حزب وحدت اسلامی در ختم صحبت های خویش، به مشکلات و نیازمندی های مردم که توسط یکی دیگر از موسفیدان مطرح شد، گوش فرا داده و در مورد راه حل آنها رفتنود های مشخصی ارشاد فرمودند.

محترم قوماندان عارض با یکصد و پنجاه تن از نیروهایش به جبهه، ضد ناشستی پیوست

پس از فرار امینی اشترلی، ولسوالی اشترلی، سنگ تخت و مربوطات نیلی نیز امنیت و ارامش خود را باز یافته است.

بر اساس گزارش خبر نگار نظامی وصفحه، نر» از ولایت ارزگان در ادامه، عقب رانده شدن نیروهای مزدور فاشیسم در ولایت ارزگان، اینك مناطق شیخ میدان، زردسنگ، سیاه دره، كوتل علیا و كوتل سفلی، شیخ علی، ناو قول، لوران، قول قولاد، نور پول، طاق سفید، كمان و برون، مستان، خافیر، لرگر، لگلگ و نواحی اطراف آن به كلی امنیت شده و مردم با كمال شادمانی، پیوسته گی خویش را با حزب وحدت اسلامی اعلام داشتند. طبق این گزارش، پس از قرار امینی اشترلی، ولسوالی اشترلی، سنگ تخت و مربوطات نیلی نیز امنیت و آرامش خود را باز یافته و محترم قوماندان عارفی با یکصدوینجاه تن

شمارد، عود / صفحده ۳

از نبروهایش، به جبهه، ضد فاشیستی پیرسته است. •

هیأت کمیساریای سازمان ملل ...

عصر روز دوشنبه ۱۳۷٤/۷/۳ محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی، هیأت ویژه، کمیساریای سازمان ملل را در مقر رهبری حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته، درمورد برنامه های کمك رسانی سازمان ملل وهمكاری های حزب وحدت اسلامی با این سازمان، مقصلاً بحث و تبادل نظر نمودند.

یه گزارش خبرنگار «صفحه» نو» از بامیان، در این دیدار محترم اندریو پتروف معاون دفتر هماهنگی کمك های سازمان ملل در امور افغانستان، راجع به کمك های عاجل این سازمان در هزاره جات صحبت غیرده، برنامه های کرتاه مدت خویش قبل از قرا رسیدن نصل زمستان را به استحضار دبیرکل حزب وحدت اسلامی رسانیدند. طبق این گزارش کمك های سازمان ملل در مرحله، ابتدائی شامل اسکان ۵۰۰۰ خانواده، مهاجرین خواهد بود؛ همچنین این هیأت اعمار مکاتب، کلینیك ها وتهیه، آب آشامیدنی را در جمله، برنامه های دراز مدت سازمان ملل متحد درهزاره جات اعلام کردند.

قوماندان غند ۱۹۱ فرقه ۹۲ ح. و.ا. وارد یکاولنگ گردید

محترم دگرجنرال خداداد سرخ جربی، پس از شش ماه اقامت در کابل، به تاریخ ۱۸۲۷/۲/۱۸، وارد یکاولنگ گردیده، و مورد استقبال گرم نیروهای نظامی، قرماندانان و مسئوولین حزب وحدت اسلامی قرار گرفت. به گزارش خبر نکار وصفحه، نوی از بامیان، محترم دگر جنرال خداداد سرخ جربی که در طول سه سال مقاومت غرب کابل، فداکاری و رشادت بی نظیری از خود نشان داده بود، پس از شهادت رهبر شهید و تسلط فاشیسم و تشیع درباری بر غرب کابل، در حالت مخفی، منتظر فرصت بود تا با انتقال دادن نیروهای تحت فرمانش به بامیان، خودش نیز آنجا را ترک گوید، طبق این گزارش، در اثر درایت و ابتکار قوماندان غند ۱۹۹۱، فعلا اکثریت افراد نظامی آن غند با تجهیزات و امکانات تسلیحاتی خویش به هزاره جات نظامی آن غند با تجهیزات و امکانات تسلیحاتی خویش به هزاره جات خریش میباشند. بر اساس یك گزارش دیگر محترم علوی، یکی از قرماندانان برجسته و لسوالی بهسود که پس از فاجعه، غرب کابل تحت تأثیر تبلیغات تشیع درباری و حاکمیت فاشیستی قرار گرفته بود، اخیرا با فرستادن غاینده، خویش به حضور دبیر کل حزب وحدت اسلامی، از عملکرد های سران تشیع درباری اظهار برائت غود، پیوستن و اطاعت خویش را از دستورات رهبریت حزب وحدت اسلامی، از عملکرد دستورات رهبریت حزب وحدت اسلامی اعلام داشت.

براساس تصویب ر هدایت دبیر کل حزب وحدت اسلامی

هیأت رهبری لوای گارد حزب وحدت اسلامی تعیین گردید

روز دوشنبه ۱۳۷٤/٦/۲۷، طی مراسم پرشکوهی که در مرکز پکاولنگ تدویر یافت، هیأت رهبری لوای گارد حزب وحدت اسلامی تعیین گدید.

به گزارش خبر نگار نظامی وصفحه، نوی، در این مراسم پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجيد، ابتدا محترم استاد عرفاني معاون اول دبير كُل حزب وحدت اسلامي به ايراد سخن پرداخته، با ذكر فرمايش مولاي متقيان أمام على عليه السلام كه واو صيكم بتقوى الله و نظم امركم... ، پيرامون معنای لغوی و اصطلاحی تقوا و نظم به تفصیل سخن گفته، فرمودند:تقوا که لفتاً به معنای پرهیزگاری گرفته شده است، در ابعاد مختلف دارای معانی گرناگون میباشد که از آن جمله میتوان تقوا در ساحه، عبادت، سیاست، نظام و اجتماع را نام برد. ایشان فرمودند: در تقوای عبادی منظور تزکیه و پرورش اخلاق فردی و انسانی در وجود خویشتن است، یعنی که انسان برسیله، عبادت و فرمانبرداری از دستورات خداوند، فضیلت ها و کرامت های انسانی را در وجود خود پرورش میدهد تا شایسته، قربت جوار الهی گردد؛ در تقوای سیاسی، هدف آن است که انسان در رابطه با سونوشت سیاسی ملت و مردم از نهایت احتیاط، دور اندیشی و تعهد کار گیرد و از ارتکاب موضعگیری یی که باعث نابودی حق و عظمت مردم و نابودی سرنوشت اجتماعی آنان گردد، اجتناب غاید؛ به همین جهت است که در دین مقدس اسلام، سیاست و دیانت در جوار هم معنا می پایند که یعنی سیاست و دیانت تکمیل کننده، همدیگر اند؛ دیانت و اعتقاد به ذات

خداوند به عنوان قدرت برتر و مرجع تشخیص دهنده، تمام عملکرد های انسان، باعث می شود که سیاست در خدمت مردم و تحقق آرمانهای مردم باشد؛ در تقوای نظامی، منظور آن است که انسان از فرامین و دستورات فرمانده خود اطاعت نموده، اسرار نظامی را به دشمن انتقال ندهد، وظایف محوله را با فداکاری و حسن صورت انجام دهد و راپور غلط تصمیم گیری و غلط یه مقر فرماندهی اش ندهد، چون راپور غلط تصمیم گیری و پلانگذاری غلط را باعث می شود که محکن است گاهی سرنوشت یك جمع و نظام را به سری نابودی سوق دهد! در تقوای اجتماعی نیز انسانی و اجتماعی مردم خود پابندی و التزام به خرج داده، از خیانت به آن اصول و روابط اجتماعی را پی ریزی می کند.

محترم استاد عرفانی در مورد نظم و رعایت دسیپلین نظامی نیز منصبه توضیع داده، رزمندگان و نظامیان را به کار برد آن توصیه غردند، ایشان در قسمتی از سخنان خویش گفتند: رعایت نظم و اطاعت از سلسه مراتب تشکیلات نظامی واجب است و اگر در یك تشکیلات نظامی نظم و دسیپلین رعایت نگردد، حتماً با عث شکست آن تشکیلات می گردد. ایشان افزودند: راز بزرگ موفقیت مجاهدین در صدر اسلام و نیز همه مبارزین راه حق و عدالت در طرل تاریخ همین رعایت نظم و دسیپلین بوده که از سوی یك تشکیلات قوی اداره می شده است.

طبق گزارش خبر نگار «صفحه نو» در ختم مراسم، محترم آقای عنابی معاون اول کمیته فرهنگی، احکام دبیر کُل حزب وحدت اسلامی را قرائت نمودند که به موجب آن محترم تورنجنرال نادر علی خان به حیث قوماندان لوای گارد، محترم تورنجنرال عوض علی خان به حیث معاون اداری و محترم دگروال نصیر احمدخان به حیث رئیس ارکان لواء معرفی و مقرر گردیدند.

سپس محترم تورنجنرال نادر علی خان با تشکر از مقام رهبری حزب وحدت اسلامی، تعهد خریش و سایر افسران و پرسونل لوای گارد را در امر اطاعت از فرامین دبیر کُل و شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی اعلام داشتند.

طرح باز سازی تشکیلات قول اردو و لوای گارد حزب و حدت اسلامی مورد بررسی قرار گرفت محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت گزارش میدهد که طی این دیدار، محترم دگر لام ردن جدارشند ۲۷۲۵/۲۷۲ محترم حدال علی اکبر قاستی، گزارش منشلی از

در ۱۱۰ ، گر جنرال علی اکبر قاسمی با دبیر کُل حزب وحدت اسلامی

محترم استاد خلیلی دبیر کُل حزب و مدت اسلامی، روز چهارشنبه ۱۳۷٤/٦/۲۹ ، محترم دگر جنرال علی اکبر قاسمی، قرماندان فرقه، ۹۵ حزب وحدت اسلامی را به حضور پذیرفته، وضعیت جبهات ضد فاشیستی، مورال نظامی رزمندگان و طرح باز سازی تشکیلات قول اردو و قطعه، گارد حزب وحدت اسلامی را با ایشان مورد بحث و بررسی قرار دادند.

جزرال علی اکبر قاسمی، گزارش مفصلی از برداشت ها و تجربیات فرقه، ۹۵ در جریان دفاع ضد فاشیستی را به استحضار مقام رهبری رسانیده و طرحهای جالبی را در مورد انسجام و بهبود فعالیت های نظامی حزب وحدت اسلامی در سرتاسر هزاره جات ومخصوصاً ولایت بامیان ارائه داشتند که پس از بحث و بررسی، تصامیم خاصی درزمینه های مقتضی به عمل آمد.

خبر نکار نظامی وصفحه نوه از بامیان خاصی درزمینه های منتصی به عمل آمد. تهاجم فاشیسم در شرق میدان هوائی بامیان دفع گردید

اجساد دشمن در سنگرهای آنان باقی مانده است.

« فاشيسم در تلاني شكست و تلقات خود ، مناطق مسكوني را بمباران وراكتباوان فود .

بعد از ظهر روز دو شنبه ۱۳۷٤/۷/۳ نیروهای فاشیستی دست به یك تهاجم شدید بالای مواضع حزب وحدت اسلامی در ساحات شرق میدان هوایی بامیان زدند که در اثر مقاومت و پایداری نیروهای ضد فاشیستی در هم شکسته و دشمن با بر جای نهادن چندین کشته و زخمی وادآر به عقب نشینی گردید. خبر نگار نظامی «صفحه، نر» از بامیان گزارش میدهدکه به دنبال این شکست، نیروهای فاشیستی مناطق مسکونی اطراف شهر بامیان را هدف بمباران وراکتباران شدید قرار دادند که در اثر آن تعدادی از مردم بی دفاع شهید و یا مجروح گردیدند. طبق این گزارش، حمله بر مناطق مسکونی که تجربه، تکراری نیروهای شکست خورده، فاشیسم در طول سه سال گذشته بوده است، باعث خشم و انزجار شدید مردم بامیان گردیده و بیش ازپیش آماده گی خویش را برای مقابله و دفع فاشیسم از هزاره جات اعلام داشتند.

طبق یك گزارش دیگر، اخبراً حاكمیت فاشیستی جنرال بابه جان را یا پنجصد تن از افراد تحت فرمان او به جبهه، هزاره جات اعزام داشته است و جنگهای اخیر در بامیان ناشی از تحركات جدیدی است كه جنرال بابه جان به منظور تصرف دوباره، شهر بامیان به راه انداخته است.

لازم بد تذکر است که جنرال بابه جان پس از انجنیر وصیل وقوماندان گذا، سومین فرمانده مشهور جبهه، فاشیستی است که به هزاره جات اعزام شده است. و

جریده، خبری حزب وحدت اسلامی...

(استاد عرفاني، معاون اول دبير كل حزب وحدت اسلامي:

فغانستان خانه، مشترك همه، مردم افغانستان است و همه، اقشار و ملیتهای کشور، حق زنده گی و امتیاز مساوی دارند. هر کس و هر جریانی که خواسته باشد با توطئه ها و دسیسه های ضد مردمی بر علیه این حق موضعگیری نماید، خاین به سرنوشت اجتماعی اقشار ملت است

دگر جنرال علی رحمتی، سرپرست قول اردوی حزب وحدت اسلامی:

دولت و مزدوران آن می خواستند که جنگ داخلی در هزاره جات راه بینند تا هزاره ه به جان یکدیگر بیفتند. ولی هوشیاری و بیداری مرد هزاره جات. این دیمیسه، دشمن را به زودی خش کرد

روز شنبه ۱۳۷٤/٦/۲۵ طی مراسم پرشکوهی که در مرکز یکاولنگ دایر گردید. فعالیت جریده، خبری حزب وحدت اسلامی اعلام گردید.

به گزارش خبر نگار وصفحه، نربی، در این مراسم که از سوی کمیته، فرهنگی حزب وحدت اسلامی بر گزار گردیده بود، دبیر کُل و اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی ، علماء و روحانیون، قرماندانان قول اردو، رزمنده گان خطوط دفاعی، و صدهاتن از مردم مسلمان ولسوالی یکاولنگ اشتراك ورزیده و بر معفل شکوه خاصی بخشیده بودند. طبق این گزارش، مراسم با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد و سیس محترم آقای عنایی، معاون اول کمیته، فرهنگی

حزب وحدت اسلامی بیانید، افتتاحید، خویش را ایراد فرمردند.

ایشان با تشکر از شرکت حاضرین در مراسم افتتاح کار جریده، خبری حزب

رحدت اسلامی، مقاومت عادلانه، مردم ما را قیام به خاطر برپایی حق و عدالت

در جامعه، افغانستان یاد غوده، گفتند: رهبر شهید، پیشگام این قیام بود و با

تمهدی که در برابر سرنوشت اجتماعی و انسانی فرد فرد ملت خود داشت، خط

رسالت و خون را برای ما نیز به میراث گذاشت. ایشان از فعالیت های فرهنگی

به عنوان انجام رسالتی در رساندن پیام خون رهبر شهید و هزاران انسان بخون

تسلط نیروهای دتشته به خون هزاره به سرنوشت و حیات مردم ما، فعالیت

کمیته، فرهنگی حزب وحدت اسلامی در داخل کشور مختل گردیده و از این

کمیته، فرهنگی حزب وحدت اسلامی در داخل کشور مختل گردیده و از این

ترفیق یافت. که کار خود را آغاز نموده، فریاد ملت را به دنیا برسانند و درد ها و

آرمانهای مردم را بازگر نمایند. جریده، خبری حزب وحدت اسلامی که اولین

شماره، آن امروز در خدمت مردم آزاده، ما قرار می گیرد، تنها تمهدی که می

تراند پیش روی خود داشه باشد، رساندن همین پیام و بازگر نمودن همین آرمان

سپس محترم دگر جنرال علی رحمتی، سرپرست قول اردوی حزب وحدت اسلامی، پررامون وضعیت نظامی و سیاسی افغانستان و مواضع حزب وحدت اسلامی، منصلاً سخترانی نموده، گفتند: در شرایط فعلی مشکلات مردم ما بسیار زیاد است، جنگ و نا امنی زنده گی آنها را تلخ کرده و مهاجرین ما هنرز هم در چادر های پاکستان و ایران در وضعیت رقت باری به سر برده در انتظار خطعه بالا گشت دقیقه شماری می کنند. ایشان با اشاره به جنگ افروزی های حاکست فاشیستی، افزودند: جنگ در بامیان که توسط دولت ربانی و باند دردور اکبرای از اردی، آتش آن افروخته گردید، آزمون تلخ و تازه یی را در برابر مردم ما فرا

داد. حزب وحدت اسلامي قبل أز آغاز اين جنكها، تلاش وسیمی به خرج داد که مسایل را از طریق مسالمت آمین حل و فصل کند ولی آنها نظر به لجاحت خویش وارد جنگ شده و حتی قصد تصرف یکاولنگ را داشتند که به یاری خداوند متعال و دفاج مردانه، شما مردم قهرمان و فداکار، خط دفاعی به وجرد آمه و دشمن عقب رائده شد. آقای علی رحمتی افزودنان دولت و مزدوران آن می خواستند که جنگ داخلی در هزاره جات راه بیفتد تا هزاره ها به جان یکدیکر بیفاتل، وفرا هوشیاری او بیداری مردم هزاره جات، این دسینسه، دشمن را به زودی خنثی کرد و دولت ربانی و مزدوران آن، نه تنها که کرچکترین توفیقی نیافتند، بلکه یای خود شان در جنگی گیر افتاد که . انجام طومار حبات ننگین شان را جمع خواهد کرد. فعلاً شهر بامیان برای دشمن اهمیت خاصی پیدا کرده است و به همین خاطر زیده ترین قوماندانهایش را با نیروهای تازه نفس جمع میکند و به بامیان می فرستد تا از شکستن جبهه اش جلوگیری کنند. آقای علی اظهار امید واری کردند که به زودی تمام مناطق بامیان از وجود نیروهای دشمن پاکساژی شود ، أما افزودند که با پاکسازی بامیان یا پروان مشکل مردم ما حل غی گردد ، چون ما داعیه ، حق عدالت داریم و حاکمیت های ضد مردم، هرگز با این داعیه سر سازش و مدارا گرفته نمیتوانند، بناء شما مردم باید مواظب باشید که باز هم توطئه ها و دسیسه های تازه تری از طرف دشمنان تان به راه خواهد افتاد. ایشان به مردم آگاه خویش توصیه نمودند که در هر شرایط آماده، دفاع از عزت، حیثیت و موجودیت خویش باشند و خطی را که رهبر شهید با خون سرخ خود ترسیم نموده و یقیناً خط آزادی، رستگاری و سرفرازی تمام ملت افغانستان است. تعد

آگاهاند تعقیب نمایند. سپس محترم استاد عرفانی معاون اول دهبر کُل حزب حدیث اسلامی، به ایراه سخن پرداخته، ضمن تقدیر از نماینت های کمیتره، فرهنگی، در مررد وضعیت سیاسی،

نظامی و فرهنگی حزب وحدت اسلامی و مجموع کشور منصلاً توضیع دادند. ایشان در قسمتی از سخنان خویش فرمودند: افغانستان خانه، مشترك همه، مردم افغانستان است و همد. اقشار و ملبتهای کشور، حق زنده گی و امتیاز مساوی دارند. هر کس و هر جریانی که خواسته باشد با توطنه ها و دسیسه های ضد مردمی بر عليه ابن حق موضعگيري نمايد، خاين به سرنوشت اجتماعي اقشار ملت است: زیرا نفاق و تشتت اجتماعی در میان اقشار پاهم برادر کشور، جز نابودی آسایش و عزت همد، مردم این کشور، دیگر ثمره و نتیجه یی نمی بخشد. معاون اول دبیر کُل حزب وحدت اسلامی در قسمت دیگری از سخنان خویش با یاد آوری خاطرات شكرهمند مقاومت مردم آزاده، غرب كايل، شعار و داعيه، حق طلبي و عدالتخواهي را محور و جهت دهنده، این مقاومت دانسته، گفتند: یکی از آرمانهای بزرگ مذهب تشیع، برپایی برابری و عدالت اجتماعی در جامعه، بشری است و رهبر شهید نیز قربانی همین آرمان گردید. محترم استاد عرفانی ریشه های خصومت حاکمیت فاشیستی در برابر مقاومت عادلانه، غرب کابل را به تفصیل بر ملا ساخته، جنگ افروزی این حاکمیت و عوامل مزدور آن را کینه توزی آشکار بر علیه ملت ما دانسته گفتند: همانطوریکه دشمن در جنگهای تحمیلی خود در کابل کرچکترین موفقیت و دست آوردی نداشت. در هزاره جات نیز با شکست فاحشی مواجه گردیده است. ایشان افرودند: جنگهای هزاره جات ماهیت مزدوری باند اکبری- انوری و بیگانه گی آنان با سرنوشت اجتماعی و سیاسی مردم ما را بیش از پیش بر ملا ساخت. قبل از آغاز این جنگها ما برای آنان پیام فرستادیم و صراحتاً گفتیم که مردم ما رنجدیده هستند. رهبر خود را از دست داده و تا هنوز از زخم های شان خون می چکد، شما نباید رنج این مردم را دامن زنید و اگر نمیتوانید از درد و آرمان این مردم دفاع کنید، حد اقل در همان کابل بنشینید؛ ولی متأسقانه که آنها اعتنا تکرده و جنگهای دستوری شان را آغاز کردند و پس از ستوط بامیان با افتخار پرچم حزب وحدت را پایین کشیده و پرچم دولت ربانی را بر افراشتند و اعلام کردند که ما جزء دولت هستیم! محترم استاد عرفانی در بخش دیگری از سخنان خویش گفتند: فعلاً به لطف و باری خداوند و پایمردی مردم ما از سراسر هزاره جات، حملات دشمن دقع به تست و تمامی تجهیزات و نیروهای تازه نفس آنان در مقابله با نیروی دقاعی این مردم، از کار افتاده است. ایشان ضمنا از سوی خود، دبیر کل و اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی از مردم آزاده، یکاولنگ، غزنی، بهسود، پروان، ارزگان، شمال و سایر نقاط هزاره جات تقدیر و تشکر نموده، خطاب به رزمنده گان خطوط دفاعی یاد آوری کردند که باید با حفظ نظم و انضباط، توکل به خداوند داشته و از آرمانهای مردم خزد دفاع نمائیم.

معارن اول دبیر کل حزب وحدت اسلامی در پایان سخنان خویش، فعالیت جریده خبری حزب وحدت اسلامی را گامی بزرگ و ارزنده در راستای تنویر اذهان مردم دانسته، اظهار امید واری کردند که در آینده شاهد فعالیت های چشمگیر تر اعضای

کمیته، فرهنگی و ستاد تبلیغی رهبر شهید باشیم. در ختم مراسم، محترم استاد خلیلی دبیر گل حزب وحدت اسلامی در میان استقبال و شعار های آگاهاند، مردم که فریاد می کشیدند: وخلیلی، خلیلی، حمایت می کنیم، در خط سرخ رهبر، اطاعت می کنیم». در جایگاه غایش اولین شعاره، جریده، خبری حزب وحدت اسلامی، تشریف آورده، نشریه را در معرض دید حاضرین قرار

فعان ، عود / صفحه ، ع